

مقایسه آیین تدفین مردگان در فرهنگ باستان ایرانی و فرهنگ اسلامی - ایرانی

الهه نگهداری

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان های باستانی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

شیوه‌های مختلف دفن اجساد در خاک نشان از احترامی است که زنده‌ها به آن‌ها می‌گذارند، از طرفی در بسیاری از فرهنگ‌ها به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و انجام مراحل تدفین را یکی از مسیرهای مهم برای این زندگی می‌دانستند. ین تدفین روش‌های مختلفی را در شرایط متفاوت شامل می‌شده است؛ از مومیایی کردن مرده‌ها تا قرار دادن ظرف و ظروف در قبر و استفاده از تابوت، کفن یا گورهای دسته جمعی از موارد مختلفی بوده که استفاده می‌کرده‌اند. در مواردی استفاده از لباس‌های رسمی برای مرده یا وسائل شخصی او نیز رواج داشته و هم همه برای اینکه روند تجزیه و نابودی را به تاخیر بیندازند بیشتر تلاش می‌کرده‌اند. در دورانی هم روش‌هایی مانند سوزاندن، دفن در دریا یا هوا و انجماد رواج پیدا کرده بود. این پژوهش در تلاش است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقایسه‌ای بین آیین و آداب تدفین مردگان در ایران باستان و ایران دوره اسلامی ارائه دهد.

کلید واژه‌ها: مرگ، آیین، تدفین، ایران باستان، ایران دوره اسلامی.

مقدمه

مرگ همواره یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی بوده که ذهن بشر را از نخستین روزها به خود مشغول کرده است. به همین دلیل نوع برخورد با جسد فرد پس از مرگ نیز دغدغه‌ای اصلی برای مردم همه سرزمین‌ها محسوب می‌شده که ریشه در باورها و اسطوره‌های هر قوم و نگاه آنها به جهان مادی و دنیای پس از مرگ داشته است. مرگ قطعی‌ترین اتفاق زندگی انسان است قطعی‌تر از تولد، مهم‌ترین و در عین حال مبهم‌ترین موضوعی که بشر با آن روبرو بوده است. مرگ سرچشمه اعتقاد به ماوراءالطبیعه بوده چرا که ذهن بشر همیشه و شاید هنوز، توان تصور عدم را نداشته و ناتوانی او در تطبیق دو مفهوم مرگ و نیستی او را وادار ساخته تا ماوراءالطبیعه را خلق کند. تغییر شیوه‌های تدفین در دوره‌های مختلف تاریخی نیز از همین موضوع و از نوع نگاه هر قوم ناشی می‌شود. در ایران نیز، از کهن‌ترین زمان‌ها تا به امروز، شیوه‌های مختلفی در این زمینه رواج داشته است. (قدیانی، ۱۳۹۴) ایرانیان باستان هم همچون مردمان بین‌النهرین به رستاخیز و بازگشت مردگان اعتقاد داشتند. در طول ادوار تاریخی، عقاید متنوعی درباره آداب تدفین مردگان در میان ایرانیان شکل گرفت، از زمان باستان تا دوره اسلامی این آداب در حال تغییر و تحول بوده است. این پژوهش در تلاش است تا به مقایسه آیین تدفین مردگان در فرهنگ باستان ایرانی و فرهنگ اسلامی - ایرانی بپردازد.

آیین تدفین در دوره باستان

طبق وندیداد، زرتشتیان در هر دهکده یا خانه، جایگاه مخصوصی به نام «کَتَ» (Kata) برای مردگان داشتند (زنان و مردان و کودکان به‌طور جداگانه) همان‌طور که امروزه نیز در بمبئی در خانه هر پارسی محل پاکیزه و خاصی در جلو خانه برای این کار اختصاص دارد. (مهدی زاده، ۱۳۷۹: ۳۵۸) بر اساس آنچه از وندیداد بر می‌آید از همان زمان که نفس و جنبش جسم انسان را ترک می‌کرد، جسد و لاشه عنصری می‌شد سخت نجس و مورد پرهیز. موجب مرگ، دیوی به نام دروخش نسوش دانسته می‌شد که خطرناک‌ترین دیوها بود. این دیو هنگامی که در تن کسی حلول می‌کرد، آن شخص می‌مرد. به همان میزان که این دیو ناپاک و نجس و خطرناک بود، لاشه و

مرده نیز نجس و خطرناک محسوب می‌شد. آشکار است که در میان مردم وندیداد ترس و بیمی بسیار از گزندِ مردگان وجود داشته‌است. این مردم بر آن بودند که روح مرده در بالای جسدش همواره در پرواز است تا به هر نحوی شده به بازماندگان خود گزندِ وارد کند. هر کس از سه قدمی به مرده‌ای نزدیک‌تر می‌شد، ناپاک شده و لازم بود مراسم دیوزدایی و غسل میت درباره‌اش انجام شود، تا پاک گردد. (رضی، ۱۳۸۲: ۷۸) مسئله جالب توجه در سه بند آخر فرگرد دوازدهم، نجس نبودن اموات کافران است. از دیدگاه مغان هر که کافر باشد و بر دین آنان باور نداشته باشد، در زمان حیات نجس است و بر اثر تماس مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند آفریده‌ها و مخلوقات اهورامزدا را نجس و ناپاک نماید اما درویش نسوش (دیو نسو) فقط مردگان مغ دینان یا مجوس را آلوده کرده و به مردگان کافران صدمه‌ای نمی‌رساند. (همان: ۳۸۰)

منع شیون و زاری

در اوستای بزرگ زمان ساسانی که تدوین شده مغان بود به موجب کتاب نهم دینکرد در سوتگرتسک که نخستین نسک از بیست و یک نسک اوستا بود، در فرگرد یازدهم درباره عدم شیون و زاری در سوگواری مطالبی وجود داشته‌است. همچنین در گزارش آرداویراف از جهان پسین، به موجب فصل شانزدهم، رودی سهمگین در دوزخ جاری است که گناهکارانی در آن غوطه‌ور بوده و عذاب می‌بینند و توضیح داده می‌شود که این رود از اشک چشم و بر اثر مویه و شیون و سوگ کسانی به وجود آمده که در پس مردگان خود به سوگواری و گریه پرداخته‌اند و اینک به عذاب در این جایگاه به سر می‌برند. در رساله مینوی خرد فرگرد ۴۳ بند ۲۹ نیز با نکوهش گریه و سوگواری مواجه می‌شویم. در مجموعه سد در نثر بند ۹۶ نیز همان مطالب سوتگرتسک آمده‌است. در جلد اول از روایات داراب هرمزدیار نکوهیدگی و اهریمنی بودن در گریه و مویه و سوگواری ملاحظه می‌شود (رضی، ۱۳۸۲: ۳۶۸)

مراسم سگ دید

این مراسم که نشان دادن جنازه به سگ است، میراث گذشته روزگاران قدیم ایرانیان قبل از زرتشت است. از دیدگاه زرتشتیان زمانی که جان از بدن خارج می‌شود اگر سگی در کنار پای جسد بسته باشد دیوی که بر اجساد آدمی دست می‌یابد و آن را پلید می‌سازد بر وی هجوم برد و چنانچه سگ آن جسد را ببیند، نسوش رانده می‌شود. به احتمال زیاد رسم سگ‌دید که عبارت بود از آوردن سگی بر بالین محتضر یا مرده و نشان دادن جسد به سگ و مالیدن پوزه به آن جسد، از همین عقیده سرچشمه گرفته‌است. اساس این عقیده بر این بود که سگ که دزد و گرگ و دشمن مادی را می‌راند، قادر به راندن دروج و نسوش پلیدی که از سوی باختر، جایگاه دیوان بر جسد مرده حمله می‌کند، هم هست. سود و خاصیت طبیعی و طبی رسم «سگ‌دید کردن» این است که حیوان مذکور در شناخت مرگ توانا و در مرگ مفاجا و بی‌هوشی قادر به تشخیص مردگان از زندگان است. تا چندی پیش با نهادن قطعه نانی بر سینه جسد و بردن سگ برای برداشتن آن رسم سگ‌دید کردن به ذهن‌ها القا می‌شد. (مهدوی، ۱۳۷۹: ۴۰)

غسل با گمیز

پس از مرگ، همین که جان از بدن جدا شد بی‌درنگ دروج نسو عفریت و دیو نامرئی، به پیکر مگسی همچون پلیدترین خرفستران از سرزمین‌های اباختر (شمال) می‌آید و برتن مرده می‌تازد، در نتیجه این تازش است که جسد میت ناپاک و فاسد می‌گردد و لمس آن گناه به حساب می‌آید؛ بنابراین افراد ویژه‌ای حق دست زدن به مرده را دارند و اگر فردی غیر از آنان جسد را لمس کند، باید ۹ روز تمام با گمیز (ادرار گاو) غسل کند که این روش بیشتر در هندوستان رواج داشته‌است. در اینجا ثنویت زرتشتی که در ادوار بعد از زرتشت رنگ و بوی خاصی به خود گرفت، به خوبی خود را نشان می‌دهد. این ثنویت با آن که مثل ثنویت‌ها گنوستیکی خیر و شر را به صراحت با روح و ماده منطبق نمی‌کند، باز تمایل به این دعوی را نشان می‌دهد که آنچه تعلق به قلمرو خیر دارد حیات است و مرگ مثل دروج (اهریمن یکی از دیوان ماده) متعلق به قلمرو شر است. ظاهراً به استناد همین نکته است که پسودن مردگان همچنان که از وندیداد

برمی‌آید تطهیر با گُمیز، (ادرار گاو) را الزام می‌کند، چرا که در تعلیم زرتشت تن انسان وقتی که به کلی از حیات خالی باشد در تصرف اهریمن واقع می‌شود و تطهیر که به سبب پسودن آن هست، از اینجاست. (مهدی زاده، ۱۳۷۹: ۳۶۲)

سوزاندن مردگان

در اوستا از سوزاندن مردگان یاد شده و آن را گناهی بزرگ دانسته‌اند و این می‌رساند که در عهد وندیداد یعنی در دوران اشکانی، این رسم هنوز در بین بخش‌هایی از ایران وجود داشته‌است. (رضی، ۱۳۸۲: ۲۰) ناحیه اطراف دریاچه ارومیه، نخستین جای فرود آمدن نیاکان مادی بوده‌است که مزداپرست بوده‌اند و در سحرگاه مهاجرت هنوز از آئین زرتشت آگاه نبوده‌اند و شاید هم زرتشت هنوز پا به جهان نگذاشته بوده‌است. مزداپرستان گویا مانند هم‌تباران هندی خود مردگان را در جایگاهی ویژه می‌سوزاندند و این خاکستر فراوان، بازمانده چوب و هیزمی است که جسد را در میان آن به آتش می‌کشیده‌اند و بنابر سنن کهن پس از سوزاندن جسد برای زندگی پس از مرگ شخص در گذشته، در میان خاکسترها ظروف سفالین یا فلزی می‌گذاشته‌اند و روی این توده خاکستر خاک نرم می‌ریخته‌اند تا هنگامی که شخص دیگری درمی‌گذشته، برای سوزاندن او دوباره بتوانند بر پهنه خاک هیزم قرار بدهند. استخوان‌های سوخته شده را سپس گرد آورده و آن‌ها را در استودان‌های کنار آتشکده می‌ریختند همچنان‌که امروز هنگامی که جسد در دخمه‌ها پوسید و عاری از گوشت و پوست شد، استخوان‌ها را در چاه استودان می‌ریزند. (همان: ۴۶)

آیین خاک سپاری

اعتقاد به روح و روان و زندگی پس از مرگ به اشکال گوناگون در سراسر نقاط و مراکز جهان باستان از جمله ایران وجود داشته‌است. بر اساس و مبنای همین اعتقاد در گور مردگان اسباب و لوازم زندگی و خوراک و پوشاک قرار می‌دادند. در ادواری قدیم‌تر بر اساس شغل متوفای ابزار پیشه‌اش را نیز پهلوی دستش قرار می‌دادند. اغلب مردگان را در عمق کمی که گاهی از ۲۰ سانتیمتر نیز تجاوز نمی‌کرد، دفن می‌کردند. شکل اسکلت‌هایی که باقی مانده به شکل خمیده و منحنی است. برخی اوقات مرده را طوری خمیده دفن می‌کردند که تمام اعضای بدنش به جانب شکم کشیده شده باشد. (رضی، ۱۳۸۲: ۵۱) با پیدایش و کشف فلزات، زینت مردگان با اشیاء طلایی و نقره‌ای و سنگ‌های گران‌بها مرسوم و شایع شد. این رسم خدمت مهمی به فهم هنر و دانستنی‌های دیگر باستان‌شناسان کرده‌است زیرا که تقریباً تمامی جواهراتی که از زمان‌های باستان به دست ما رسیده‌است از مقابر و گورها یافت شده‌است.

در بیرون دخمه حجاب از روی صورت مرده برداشته می‌شود تا برای آخرین بار خانواده او را ببیند، سپس آن دو نفر نعش‌کش که لباس‌های سفید دارند، لباس‌های مخصوص دخمه را می‌پوشند. قفل آهنی در را باز می‌کنند و جسد را به درون می‌برند، سر را به طرف جنوب (چون شمال مقرر دیوان است) می‌گردانند و روی یک سنگ به نام کیش قرار می‌دهند. سپس لباس‌ها را از روی جسد برمی‌دارند و او را عریان می‌کنند. لباس‌ها به دلیل نجاست باید به درون چاه وسط برج خاموشان انداخته شوند. کرس‌ها و لاشخورها که خود را مهیا کرده‌اند، ظرف دو ساعت همه چیز را می‌خورند و تمام می‌کنند. آنگاه مأموران برج، استخوان‌ها را در داخل چاه می‌ریزند. در طی این مراسم در محلی خاص که در دخمه ساخته شده‌است، مراسمی نیز توسط خانواده متوفی انجام می‌شود و سرود سروش بغ به زمزمه خوانده می‌شود. (مهدی زاده، ۱۳۷۹: ۳۵۸-۳۶۹)

رنگ کردن مردگان

در ادواری قدیم جسد مرده را با رنگ قرمزی می‌پوشانیده‌اند که از اکسید آهن به دست می‌آمده و در فلات ایران فراوان بوده‌است. این نظر هم وجود دارد که ممکن است زندگان بدن خود را به دلایلی با همین ترتیب رنگ می‌کردند و چون فوت می‌شدند، اثر این رنگ بر

بدنشان باقی می‌مانده‌است. در دوران متأخرتر به‌جای اکسید آهن بر استخوان‌بندی متوفا با رنگی سرخ‌فام، با گلِ آخر نقش‌هایی ایجاد می‌کردند. (رضی، ۱۳۸۲: ۵۱)

زمان سوگواری

در فصل دوازدهم وندیداد مدت سوگواری یا اوپه‌مانه، به‌طور کلی برای گناهکاران دو برابر ثواب‌کار اعلام شده‌است. برای فرد عادی پارسا و نیکوکار مدت سوگواری یک ماه، برای فرد گناهکار دو ماه برای رئیس و بزرگ خاندان و همسر وی شش ماه در صورت ثواب‌کار بودن و یک سال در صورت گناهکار بودن تعیین شده‌است. (رضی، ۱۳۸۲: ۳۶۹) به توجه به اینکه به موجب بند نهم از فرگرد نخست وندیداد، سوگواری از آفریده‌های اهریمن به‌شمار آمده‌است، فصل دوازدهم وندیداد و مطالب آن تضادهایی را از سویی با معتقدات خود مغان و از سویی دیگر با معتقدات زرتشتی و آریایی نشان می‌دهد. گلدنر در فقه اللغة ایرانی جلد دوم بر آن است که مقایسه فرگرد دوازدهم موجود با فهرستی که از وندیداد دوره ساسانی، در کتاب هشتم دینکرد آمده‌است نشان می‌دهد که فصل دوازدهم اصلی در سده نهم میلادی از بین رفته بود و فرگرد دوازدهم فعلی با زبان سستی که دارد، به خوبی تشخیص داده می‌شود که مجعول و بسیار جدید است. (همان: ۳۶۸)

آیین تدفین در دوره اسلامی در ایران

در کشور ما رسم بر این است که به مناسبت درگذشت اقوام و نزدیکان از سوی خانواده فرد متوفی آیین‌ها و مراسمی با عنوان آیین‌های سوگواری و مراسم ختم به نشانه علاقه و احترام به فرد متوفی برگزار شود. برگزاری مراسم خاکسپاری، سوم، هفتم و چهلم از جمله آیین‌های عزاداری به سبک و شیوه ایرانی‌ها هستند. پذیرایی از تشییع‌کنندگان و عزاداران حاضر در مراسم خاکسپاری با حلوا و خرما نیز یکی از دیگر رسوم اصلی آیین‌های عزاداری ایرانی است که هر یک از آنها نمادی از غذاهای بهشتی هستند. پس از مرگ مستحب است دهان میت را، بر روی هم بگذارند که باز نماند و چشم‌ها و چانه میت را ببندند و دست و پای او را دراز کنند و پارچه‌ای را روی او بیندازند. اگر شخص، در هنگام شب مرده است، در جایی که مرده، چراغ روشن کنند. برای تشییع جنازه او مؤمنان را خبر کنند و در دفن او عجله کنند. ولی اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا مشخص شود که شخص مرده است یا خیر.

خاکسپاری و دفن

در اسلام پس از مرگ همه جامه‌های در آیین‌های اسلامی مرده را از وی جدا کرده و او را می‌شویند و پیش از خاکسپاری او را غسل داده و کفن می‌کنند و بر او نماز میت می‌خوانند که در واقع در بردارنده دعا و تلقین است. آنگاه یکی از محرمان وی به کمک دیگران، او را در گور از پهلوی راست آن به سمت قبله باشد آن را جای می‌دهند. اگر زن باشد باید توسط محرم خود در قبر گذاشته شود. هنگامی که مرده را درون گور گذاشتند، سر مرده را از درون کفن بیرون می‌گذارند و سپس سنگ‌های مسطح را بر ایوانه قبر که کمی از جسد بالاتر است قرار می‌دهند، این سنگ‌ها را لحد گویند.

در احادیث، حکمت دفن، اموری چون رعایت حرمت جنازه، آشکار نشدن فساد جسد برای مردم، پیشگیری از آزدگی مردم به سبب انتشار بوی و جلوگیری از ملامت دشمنان و اندوه دوستان بیان شده است. در منابع فقهی برای هنگام دفن میت، قبل و بعد از آن آدابی ذکر شده است. (وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ۱۴۱). از جمله:

- به فتوای فقیهان، دفن میت باید پس از غسل، تحنيط، مالیدن کافور بر مواضع سجود، کفن کردن و خواندن نماز بر او انجام شود. واجب است میت را سه بار غسل بدهند؛ اول: با آبی که با سدر مخلوط شده باشد، دوم: با آبی که با کافور مخلوط شده باشد، سوم: با آب خالص. و اگر بر خلاف این ترتیب، انجام شود باید دوباره غسلها را انجام دهند که ترتیب آن رعایت شود. حتی اگر میت را دفن کردند،

چنانچه نبش قبر، موجب هتک میت نباشد نبش قبر برای رعایت ترتیب غسلهای سه گانه، واجب است. اهل تسنن در این باره فقط یک غسل با آب خالص را کافی میدانند و دو غسل دیگر را مستحب می‌دانند. کیفیت هر غسل هم مانند غسل جنابت است و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل ارماسی ندهند و احتیاط مستحب آن است که در غسل ترتیبی هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند بلکه آب را روی میت بریزند. کسی که میت را غسل می‌دهد، باید مسلمان دوازده امامی، عاقل و بالغ باشد و مسائل غسل را هم بداند.

- میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سر تا سری می‌نامند کفن کنند. لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند و بهتر است که از سینه تا روی پا برسد. بنا بر احتیاط واجب پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را بپوشاند و درازی سر تا سری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن امکان پذیر باشد و پهنای آن باید به قدری باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید. و کفن کردن میت با وسایل غضبی یا نجس و با پارچه ابریشمی خالص یا پارچه‌ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده، در حال اختیار جایز نیست. لازم به ذکر است، اهل سنت در کفن کردن میت، یک پارچه سر تاسری را واجب و دو پارچه دیگر را مستحب می‌دانند.

- واجب است میت در قبر بر پهلوی راست و رو به قبله قرار داده شود

- در دفن میت باید از ولیّ او اجازه گرفت

- دفن مسلمان در قبرستان کافران و بالعکس جایز نیست

- دفن اموات نیاز به قصد قربت ندارند

- تلقین میت : تکان دادن شانه میت همراه با بردن نام او و خواندن ذکرهایی خاص

- جنازه را در نزدیکی قبر به زمین نهادن و طی چند بار بلند کردن و به زمین نهادن به قبر برسانند.

- خواندن دعای خاص هنگام وارد کردن میت به قبر

- میت زن را به پهلوی و میت مرد را به سر وارد قبر کردن

- بازکردن بندهای کفن و صورت میت را بر خاک نهادن. (جواهر الکلام، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ۲۶۳-۱۱۸)

دفن میت

در نزدیک‌ترین قبرستان مگر اینکه قبرستان دیگر مزیتی داشته باشد مثلاً مدفن علما و صالحان یا محل مراجعه مردم برای خواندن فاتحه برای اهل قبور باشد.

- مشخص کردن مکان دفن و درج نام میت بر آن
- تا سه روز پس از دفن برای بازماندگان میت غذا فرستادن و مکروه بودن خوردن از غذای آنها
- خواندن نماز لیلة الدفن در شب اول دفن

- دلداری به بازماندگان
- انتقال دادن میت قبل از دفن به مشاهد مُشرّفه
- کندن لَحَد : شکافی مستطیل‌شکل که در انتهای قبر در سمت قبله کنده می‌شود. در قبر برای جلوگیری از رسیدن خاک به جنازه (جواهر الکلام، ۱۳۶۲ ش، ج ۴، ۲۶۷-۲۷۸)

پوشیدن جامهٔ سیاه

پوشیدن لباس سیاه در مراسم خاکسپاری از جمله رسوم ایرانی - اسلامی است اغلب خانواده فرد متوفی با کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی، احترام و علاقه خود را به فرد متوفی نشان می‌دهند و اگرچه در سال‌های اخیر بسیاری از آیین‌های سنتی در برگزاری مراسم خاکسپاری به دست فراموشی سپرده شده‌اند، اما همچنان مراسم خاکسپاری، ترحیم و عزاداری از تشریفاتی‌ترین و پرهزینه‌ترین مراسم‌هاست. برگزاری مراسم خاکسپاری و عزاداری سه تا هفت روز به طول می‌انجامد و مراسم دیگری نیز در چهلمین روز مرگ متوفی برپا می‌شود، بازماندگان تا روز چهلم جامهٔ سیاه می‌پوشند.

بحث و مقایسه

قرار دادن اجساد در دل خاک در بسیاری از فرهنگ‌ها وجود دارد. از زمان پارینه سنگی بسیاری جسد مرده‌ها را به خاک می‌سپردند و معمولاً با سنگ روی آن را علامت‌گذاری می‌کردند. از همین دوران قدیم زمین‌هایی را می‌توان پیدا کرد که در اجساد مختلفی خاک شده‌اند. در فرهنگ ایرانی-زرتشتی تدفین در هوا مرسوم بوده است. در این آئین زمین و آتش تبرکی دارد و روح که از بدن انسان بیرون رفت پیکر مرده بسیار پلید و ناپاک است و هر چیز را آلوده می‌کند. به همین جهت مرده را نباید به خاک یا به آتش سپرد. زرتشتیان از زمان ساسانیان هر جا که بودند دخمه‌هایی می‌ساختند و مرده را به آن‌جا می‌بردند و در هوای آزاد، کنار دیواری قرار می‌دادند تا مرغان شکاری و حیوانات درنده آن‌ها را متلاشی کنند و وقتی که فقط استخوانی از مرده باقی می‌ماند، استخوان او را برمی‌داشتند و در محوطه کوچکی می‌گذاشتند که به آن «ستودان» می‌گفتند. البته نحوه از بین رفتن بدن مرده برای زرتشتیان اهمیت داشت، برای مثال اگر کلاغ یا لاشخور چشم راست مرده را درآورده بود، گمان می‌کردند مرده آمرزیده‌تر است. اما اگر روی پای خود می‌افتاد یا به حال نشستن درمی‌آمد، گمان می‌کردند روح او معذب است. بدتر از همه مرده‌ای بود که سرش از تنش جدا می‌شد. البته حوالی این دخمه‌ها همیشه هزاران کلاغ و مرغان لاش‌خوار در پرواز بودند؛ اما در آیین‌های اسلامی مبانی فقهی و اخلاقی، کرامت و احترام انسان‌ها را به زمان پس از مرگ تعمیم داده و درگذشتگان را واجد حرمت و احترام دانسته‌اند. در آموزه‌های دینی و متون فقهی، بر لزوم رعایت حرمت درگذشتگان و حفظ احترام آنان تأکید شده است؛ به گونه‌ای که حرمت درگذشته را هم‌سنگ با حرمت شخص زنده قرار داده‌اند؛ برای نمونه، امام صادق (ع) در حکمی ضمن تعیین دیه برای عمل قطع کردن سر میت فرموده‌اند: حرمت میت مانند حرمت انسان در قید حیات است. (مجلسی، ۱۳۶۳) بررسی بقایای آیین‌های مراسم خاکسپاری در ایران اسلامی سه چیز را نشان می‌دهد: نخست آنکه این باور وجود دارد که آنها بر آینده شخص متوفی، استحاله و دگردیسی جنازه و سرنوشت شخص حاکم هستند. دوم آنکه، مراسم خاکسپاری نشان می‌دهد که آنها به خویشاوندان و سوگواران نزدیک متوفی نیز توجه دارند که باید به آنها دلداری داد و آرام‌شان کرد و سوم اینکه این مراسم‌های خاکسپاری نشان‌دهنده این است که، آنها در تجدید حیات گروهی شرکت می‌کنند که در اثر مرگ یکی از عزیزان‌شان متألّم شده‌اند.

در ایران اسلامی آیین خاکسپاری با دفن جنازه آغاز می‌شود که یکی از جوانب اصلی آن تطهیر است. این تطهیر مقدمه‌ای نمادین برای تولد دوباره است. یکی از امور مقدس در میان مسلمانان یک تکلیف الهی محسوب می‌شود عبادات است که مستلزم ارتباط با خداست و نه صرف یک عمل اجتماعی. در حالی که در آیین زرتشت آتش و آب و خاک مقدس هستند اگر جسد را مدفون کنند خاک را آلوده ساخته‌اند و اگر در آب غرق کنند آب را ناپاک نموده‌اند و اگر در آتش بسوزانند با آلوده ساختن این فروغ آسمانی بزرگترین معاصی صورت گرفته‌است. به عقیده پیروان مزدیسنا باید جسد را در دسترس مرغان و جانوران لاشه‌خور قرار داد و یا بالای برج‌های خاموشی در

معرض نابودی گذاشت. استفاده از تابوت در مراسم خاکسپاری در آئین مزدیسنا ممکن است به رعایت آئین آلوده نساختن خاک و یا تدفین بقایای اجساد ارتباط داشته‌باشد. در این راستا در فرهنگ اسلامی در مراسم خاکسپاری و تدفین پس از غسل نوبت پوشاندن میت است که در سه تکه پارچه پاک و حلال واجب است وی را بپوشانند. پوشش از نیازهای فطری بشر است و این به لحاظ حفظ حرمت انسان‌ها است. که بدن او عریان و بی لباس نماند حتی در صورتی که جان و روح ندارد. ویژگی آب مورد استفاده برای مراسم خاکسپاری هم بیان شده که باید پاک و غیر غصبی باشد سه بار شستن، نوعی احترام است به کسی که اولاً خداوند او را بالاترین مخلوق نامیده است. دوم اینکه اگر وی رکنی از خانواده بوده، بازماندگان او را با کمال محبت شستشو دهند. او گرچه از دنیا رفته ولی علقه خویشی و محبت همچنان باقی است.

در فرهنگ ایران باستان گاه جنازه را آتش زده و می سوزاندند آریایی‌هایی که اجساد مردگان خود را می سوزاندند به این اعتقاد داشتند که جسم مرده همراه با روح او به وسیله ایزد آتش، روانه جهان دیگر می شود. در حالی که در فرهنگ اسلامی در مراسم خاکسپاری حتی آتش بردن پشت سر جنازه در حال تشییع مکروه است، مگر در شب که چراغ یا هر روشنائی دیگر مکروه نیست. در موقع عبور جنازه، برخاستن شخص نشسته مکروه است، مگر آن‌که میت کافر باشد که در این صورت بر می خیزد بهتر آن است که زن‌ها در تشییع جنازه و خاکسپاری شرکت نکنند؛ اگر چه میت زن باشد و بعید نیست شرکت زن‌های جوان، در تشییع جنازه مکروه باشد. خندیدن و لهو و لعب و برداشتن عبا برای غیر صاحب عزا و تند راه رفتن به طوری که منافای مدارای با میت باشد خصوصاً دودیدن، در مراسم خاکسپاری و تشییع جنازه مکروه است، بلکه سزاوار است که تشییع کنندگان هنگام خاکسپاری در راه رفتن میانه روی نمایند. تشییع کننده جنازه هنگام مراسم خاکسپاری در حال خشوع و تفکر باشد و چنین تصور کند که خود او را برداشته و می برند و او بازگشت به دنیا را خواهش کرده و اجابت شده است. در فرهنگ ایرانی و اسلامی، آرامگاه و سنگ قبر اهمیت دارد، چنان‌که بسیاری از آرامگاه‌ها از نظر معماری و بسیاری از سنگ قبرها از نظر خوشنویسی، شاهکارهایی به شمار می‌آیند. با نگاهی اجمالی به سرنوشت میت از زمان احتضار تا به خاکسپاری و اعمال شب وحشت و... همه و همه حکایت از احترام خاص اسلام به اموات است. در بین احکام دو نقطه اوج دیده می شود. اگر یک کار در بردارنده بالاترین مصلحت باشد تعبیر به واجب می شود و اگر در نقطه مقابل باشد و متضمن مفسده، تعبیر به حرام می شود و اما حکم اسلام درباره اموات بدین صورت بیان شده است: غسل، کفن، نماز و دفن مسلمان اگر چه دوازده امامی نباشد بر هر مکفی واجب است و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد، همه معصیت کرده اند. اسلام برای تشییع جنازه و مراسم خاکسپاری فرهنگ و آداب خاصی دارد حتی المقدور هنگام خاکسپاری جنازه را بر روی دست حمل کنند. کیفیت دفن مردان با زنان اندکی متفاوت است. به لحاظ آثار تربیتی برای تشییع کنندگان میت را با ذکرهایی خاص تشییع می کنند. حضور در قبرستان و دفن میت در اماکن خاص نیز از دیگر برنامه های اسلام است.

نتیجه گیری

مرگ نه تنها یک اتفاق بیولوژیکی است که جنازه را مانند یک پسمانده‌ای رها می‌کند که باید به آن رسیدگی کرد، بلکه مهم‌تر از آن، به دلیل باورها، نمادها، آیین‌ها و شعائری که دارد یک اصل اجتماعی-فرهنگی به وجود می‌آورد البته باید دانست که آیین‌ها و مراسم، ادامه بلافاصل باورها هستند و مراسم خاکسپاری به طور خاص، از اشکال آگاهانه فرهنگی یکی از کهن‌ترین، عام‌ترین و در عین حال ناآگاهانه‌ترین کارهای انسان به شمار می‌روند یعنی همان نیاز به غلبه بر رنج و اندوه مرگ و مردن. آیین و آداب تدفین مردگان عملی است که معمولاً توسط نزدیکان فرد مرده جهت برگزاری آخرین یادبود وی صورت می‌گیرد. این عمل بیشتر در میان معتقدان به ادیان الهی رواج داشته و هر یک شیوه‌های گوناگونی برای این عمل دارند. مراسم خاکسپاری یکی از آیین‌های کهن بشری است و قدمتی بیش از ۳۰۰۰۰۰ سال در بین انسان مدرن و هوشمند دارد. دران باستان روش‌ها و آیین‌های متعددی برای تدفین مردگان وجود داشت. مرگ و مراسم تدفین در ایران باستان به آثار به‌جای مانده، آیین‌ها و عقاید مردم ساکن فلات ایران در ارتباط با مرگ و مردگان می‌پردازد. ایرانیان در دوره‌های باستان گاه جسد را با موم می‌پوشاندند و آن‌گاه آن را دفن می‌کردند چنان‌که در جنوب ایران متداول بود. گاه جسد را می‌سوزاندند یا جسد مرده را با رنگ قرمزی می‌پوشانیده‌اند که از اکسید آهن به دست می‌آمده و بسیار از اقوام و ملل

ترس از مردگان وجود داشته‌است و شاید این نشانی از آغاز دوران نیاکان‌پرستی باشد. بازماندگان برای مردگان قربانی می‌کردند، هدیه می‌فرستادند و می‌کوشیدند تا همچون خدایان شر، دلشان را نرم و مهرآمیز نمایند زرتشتی جسد‌ها را در برابر سگ‌ها یا لاشخورها قرار می‌دادند. پارسی‌های دوره هخامنشی آن‌ها را مومیایی می‌کردند؛ آریایی‌ها مرده‌های خود را روی کوه‌های بلند و قله‌ها می‌گذاشتند تا خوراک کرکس‌ها شده، زودتر از بین بروند و جلوی بروز و شیوع بیماری گرفته شود. اندک اندک برخی از ایرانیان از جمله مادها روی کوه‌ها و مکان‌های دور از اجتماع آدمیان برج‌هایی مشهور به دخمه ساختند که زرتشتیان به آن «دادگاه» و پارسیان «دخمو» می‌گفتند. پیروان مزدیسنا باید جسد را در دسترس مرغان و جانوران لاشه‌خور قرار داد یا بالای برج‌های خاموشی در معرض نابودی گذاشت؛ اما در اسلام پس از مرگ همه جامه‌های مرده را از وی جدا کرده و او را می‌شویند و پیش از خاکسپاری او را غسل داده و کفن می‌کنند و بر او نماز میت می‌خوانند که در واقع در بردارنده دعا و تلقین است. آنگاه یکی از محرمان وی به کمک دیگران، او را در گور از پهلوی راست آن به سمت قبله باشد آن را جای می‌دهند. اگر زن باشد باید توسط محرم خود در قبر گذاشته شود. هنگامی که مرده را درون گور گذاشتند، سر مرده را از درون کفن بیرون می‌گذارند و سپس سنگ‌های مسطح را بر ایوانه قبر که کمی از جسد بالاتر است قرار می‌دهند. هریک از این مراحل، نشان دهنده حرمت داشتن میت و موجب آمرزش گناهان اوست. در بینش اسلامی، مرده‌ی مسلمان نیز مانند زنده‌ی او دارای احترام است. تکریم مرده‌ی مسلمان در قالب اعمالی (از قبیل غسل و کفن و دفن و مانند آن) است که در شرع مقدس اسلام واجب شده است و همه‌ی مکلفین نسبت به آن مکلف و مخاطب‌اند.

منابع و مأخذ

- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹) وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم
- رضی، هاشم (۱۳۸۲) دین و فرهنگ / ایرانی پیش از عصر زرتشت، تهران، سخن.
- قدیانی، عباس (۱۳۹۴) تدفین مردگان در ایران: از دوره باستان تا پایان قاجاریه بانگهی به آیین و مراسم مذهبی، تهران، آرون.
- مجلسی م (۱۳۶۳) روضه المتقین فی شرح من لا یحضره فقیه. ج ۱۰. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور
- مهدوی، ملیحه (۱۳۷۹) «سگ دید، رانش اهریمن»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه
- مهدی زاده، علی (۱۳۷۹) مرگ و مراسم تدفین در دین مزدایی، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- نجفی الجواهری، محمد حسن (۱۳۶۲) جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱) ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، پژوهشگاه فرهنگی و علوم انسانی.